

نگاهی به گزارش هسته‌ای ۱۶ نهاد اطلاعاتی آمریکا

مهر پایان بر یک مناقشه

[حسین محمودی]

مناقشه هسته‌ای ایران که مسئله چهار فصل سیاست ایران بود در آذرماه ۸۶ برش تازه‌ای خورد. ۱۶ نهاد اطلاعاتی گزارشی را از سوابق هسته‌ای ایران ارائه کردند که در پایتخت پر تنش ایران و آمریکا به یک بمب خبری رسانه‌ها تبدیل شد. این گزارش که گفته می‌شد اصل سند آن ۱۴۰ صفحه است در قالب ۹ صفحه منتشر شد و اغلب مطبوعات غرب نیز بر آن رویداد مهم سال نام نهادند.

گزارش هسته اطلاعاتی آمریکا بیش از آنکه یک سوژه جذاب تبلیغی یا ژورنالیستی باشد به دیده یک سند تاریخی و سمبلیک نگریسته شد. همه اما و اگرهایی که در باره قصد و نیت گزارش نویسان برده نشین این ماجرا وجود داشت اما این سند آن روزها حادثه ساز شد. دولت مردان ایران نیز محتاطانه از این گزارش استقبال کردند به این دلیل که پرتوی تازه در فضای تیره ذهنیت غربی‌ها افکند. این گزارش در مهم‌ترین مفادش به طور اساسی ادعای غیر صلیح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را نفی می‌کرد به همین دلیل مقامات وزارت امور خارجه ایران انتشار آن را شاهدهی دیگر بر کذب بودن ادعاهای مقامات کاخ سفید در پرونده هسته‌ای ایران دانستند.

جالب اینجاست این سند که به قلم امنیتی‌ترین چهره‌های کشور حریف ایران تدوین شده بود پیش از دیپلمات‌ها، ذهن طایفه حقوقدانان را به خود مشغول کرد و متنی که ماهیتا قضاوت یک گروه امنیتی بود خود دستمایه‌ای برای قضاوت جمعی از اصحاب حقوق بین‌الملل قرار گرفت. استناد و رجوع گسترده حقوقدانان به این سند را در گرماگرم گزارش نهایی البرادعی دیدیم که به دور از هیاهوی نیویورک و وین در این کارزار رای بر راستگویی ایران دادند. شاید در عرض این پنج سال که مسئله هسته‌ای مبنای اصلی اختلاف ایران و غرب شد، طرفین این ماجرا دهها سند برای نفی و اثبات یکدیگر اقامه کرده‌اند اما سند امضاشده مشاوران اطلاعاتی آمریکا شأن یک «مدرک برتر» را به خود گرفت و جایگاهی در فهرست وقایع هسته‌ای یافت.

گزارش آن ۱۶ نهاد ویژگی‌های توجه برانگیزی داشت. شاید از میان خصوصیات گوناگون آن بیش از همه، ترکیب کسانی که پای آن را امضا کرده بودند اسباب شگفتی شد. گزارش فوق به دست نهادهایی تهیه شد که در خط مقدم صدمت با ایران قرار داشتند و دست کم در سی سال حیات انقلاب اسلامی اثر انگشت یا ردپای آنها در بسیاری از طرح‌ها و دسیسه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ثبت شده است.

پیشینه قابل تأمل یک گزارش

در فیردای گزارش مربوط به تاریخچه هسته‌ای ایران نگاه‌ها اغلب به سمت تحلیل جایگاه گزارشگران رفت. اغلب کارشناسان در بازخوانی این متن کوشیدند با تأملی در میزان تأثیرگذاری گزارشگران و نیز سوابق این دست گزارش‌ها آن متن ۱۴۰ صفحه‌ای را تحلیل کنند. طبق نوشته مطبوعات آمریکا از میان کسانی که این گزارش را تهیه کرده‌اند برخی مدیران مؤسسات پژوهشی و تحقیقاتی خصوصی مانند DIA بوده‌اند که پتاننگو طرح‌های تحقیقاتی را به آنها سفارش می‌دهد و برخی مؤسسات خصوصی وابسته به CIA هستند. اغلب آنها گفته‌اند گزارش خویش را بر اساس یافته‌های بازرسین آژانس، اسناد ماهواره‌های جاسوسی، شنود مکالمات و... تهیه کرده‌اند.

در این میان کسی نمی‌توانست نقش و نفوذ نهادهای بنام سازمان ملی اطلاعات آمریکا را که در برگیرنده ۱۶ رکن اطلاعاتی پرواژه این کشور است نادیده بگیرد. اما نکته مهم‌تر درباره نقش این نهادها ردپایی بود که از تصمیمات آنها در بحران‌ها و مناقشات حاد جهانی مانند عراق و خاورمیانه بر جای مانده است. این سوابق دلالت بر این داشت که سازمان ملی اطلاعات آمریکا در یک سیکل تعریف شده در هر مناقشه مهم گزارش‌هایی را که از نهادهای مختلف امنیتی دریافت می‌کند و پس از آنکه داده‌های این نهادها را با منافع ملی آمریکا تطبیق داد آن را منتشر می‌کند.

از میان سابقه تاریخی این گونه گزارش‌ها در آمریکا می‌توان به مورد مربوط به قبل از حمله نظامی عراق اشاره کرد. آن روز سازمان‌های اطلاعاتی در



آمریکا ۲ گزارش ۷۰۰ صفحه‌ای تهیه و مخالفت خود را با حمله به عراق اعلام کردند. این سازمان‌ها در ارتباط با وجود سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای در عراق، رابطه عراق با القاعده، رابطه عراق با نیجریه و خرید اورانیوم از آن و نقض حقوق بشر، گزارش‌هایی تهیه کردند که در آن گزارش‌ها، ۳ مورد اول رد شده و تنها نقض حقوق بشر تأیید شده بود اما یوش با نادیده گرفتن گزارش این سازمان‌ها و بر خلاف حقوق بین‌الملل به عراق حمله کرد، حتی در گزارش دوم به پیامدهای حمله به عراق اشاره شده بود. از جمله: هرج و مرج، دخالت کشورهای منطقه در عراق، وجود قومیت‌های مختلف و عدم حاکمیت دموکراسی. با این همه، دولت آمریکا تصمیم به جنگ گرفت.

بر اساس همین سابقه برخی از تحلیلگران حتی عنوان کردند که در گزارش اخیر نیز سازمان اطلاعات ملی آمریکا به نحوی در پی پاسخگویی و نفی ادعای کاخ سفید را داشته است

نخستین پیام‌های گزارش

در مسئله هسته‌ای ایران که به مناظره دائمی غرب و ایران برسر کشف حقیقت تبدیل شد نخستین پیامد گزارش ۱۶ نهاد اطلاعاتی این بود که مهم‌ترین حربه و سلاح تهاجمی بلوک غرب ویژه آمریکا بر ضد ایران را ناکار می‌ساخت. در نتیجه‌گیری این گزارش آنها نظر خویش را به نقطه‌ای معطوف کردند که کانون اصلی تنش شناخته می‌شد و آن مسئله مسالمت آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران بود. به عبارتی اگر شاهرگ این دعوا را ماهیت برنامه‌های هسته‌ای ایران در نگاه غرب بدانیم گزارشگران داوری خویش را دقیقاً به همین نقطه معطوف کرده و گفتند که نشانی از خروج برنامه هسته‌ای ایران از مسیر مسالمت جویانه در ۴ سال اخیر دیده نشده است. با این تفسیر، دومین پیامد تأثیر آتی گزارش نیز خود به خود نمایان می‌شد و آن این که ناظران به اتفاق اعلام کردند که موقعیت دو طرف اصلی ایران در این جدال یعنی بوش و اولمرت با این گزارش تضعیف شده است.

یدبعوت آحرانوت پرتبازترین روزنامه رژیم صهیونیستی این گزارش را ضربه‌ای دردناک برای سیاست اسرائیل و آمریکا خواند. دیگر محافل رسانه‌ای غرب نیز عباراتی مشابه ارگان خبری اسرائیل مطرح کردند. بنابرین، محتوای گزارش در آن برهه که ایران و آمریکا برای دور جدید رویارویی آماده می‌شدند جای تردیدی باقی نمی‌گذاشت که اظهار نظر مراجع اطلاعاتی آمریکا که هم صریح بود و هم بی سابقه، عرصه را برای بهره جویی از بهانه‌ای به نام خطرناک بودن ماهیت برنامه هسته‌ای ایران تنگ می‌ساخت و به تعبیر کارشناسان سیاسی قدرت مانور حریف آمریکایی و اسرائیلی ایران را محدود می‌کرد.

شاید مسئله عجیب در نخستین رشته بازتاب‌های گزارش این بود که کثیری از تحلیلگران غرب آن را یک پیروزی مهم برای جمهوری اسلامی به حساب آوردند در حالی که برخی محافل داخل در دستاوردهای مثبت

گزارش برای ایران تشکیک کردند. شاید عمده مسئله‌ای که باعث تشکیک برخی محافل در کارایی این گزارش شد آن بخش از مفاد سند بود که می‌گفت ایران تلاش برای تولید بمب اتمی را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده است.

بالاخره این نکته‌ای بود که صاحبانظران بی طرف آن را دلیلی براحتیاط اندیشی دانستند و برخی محافل سیاسی، نیز از آن برای کاستن از اعتبار گزارش بهره جستند. این محافل حتی برای کوچک ساختن اثرات آن به سخنان مقام‌های غرب استناد جستند که گفته بودند با وجود گزارش اطلاعاتی اخیر آمریکا برای جلوگیری از دستیابی ایران به قدرت هسته‌ای تلاش خواهند کرد.

احتمالات مجدد در باره اهداف گزارش نویسان

جدی‌ترین پرسش در این باره این بود که چرا این گزارش در شرایط کنونی منتشر شد؟

در پاسخ به این سؤال دیدگاه‌های گوناگونی از سوی ناظران مطرح شده است. کما این که برخی این امر را ناشی از رقابت‌های درونی آمریکا و در راستای تضعیف دولت بوش و جمهوریخواهان دانسته‌اند.

به عبارتی آنها مدعی بودند که این اتفاق بخشی از تسویه سیاسی دموکرات‌ها با جمهوریخواهان است که از ناکامی بوش در ماجرای هسته‌ای برای شکست رقیب نهایت بهره را ببرند. عده‌ای دیگر براین باور بودند که مسئله هسته‌ای ایران به طور جدی در میان سیاستمداران آمریکا اختلاف افکنده و این گزارش نیز نشانه بارز این اختلاف است. به باور این گروه، گزارشگران چندان تحت تأثیر کاخ سفید نبوده و این اقدام آنها نشانه عدم هماهنگی مراکز امنیتی آمریکا با بوش در تصمیم‌گیری برسر ایران است.

بالاخره دیدگاه سوم به نظر می‌آید که به واقعیت نزدیکتر است. براین باور است که با سابقه بحران عراق و فاجعه‌ای که دولت بوش به بار آورد، این بار سازمان‌ها و کانون‌های اطلاعاتی آمریکا این گزارش را به عنوان یک هشدار مطرح کرده‌اند. به عبارت دیگر نهادهای مصلحت‌سنج آمریکا به این باور رسیده‌اند که بازی بوش در قبال ایران شباهت زیادی به ماجرای عراق دارد همچنان که در عراق تمام آنچه را که سیا ادعا کرده بود خلاف از آب در آمد و جمهوریخواهان پس از حمله به عراق نتوانستند وجود سلاح‌های کشتار جمعی را در این کشور اثبات کنند. اکنون نیز بوش تهاجمی بی مینا را علیه ایران آغاز کرده است در واقع با این حرکت دستگاه اطلاعاتی آمریکا پیشدستی کرده و سعی دارد در مورد ایران خود را از مسئولیت‌های احتمالی مبرا کند. لذا فکر می‌کنند با این صدماتی که به مردم آمریکا بر اثر جنگ عراق وارد شده دیگر نمی‌توانند روی سیاست جنگی بوش مانور بدهند. با این نگاه می‌توان گفت در تهیه این گزارش، نهادهای اطلاعاتی نگاهی جدی به جمع‌بندی از افکار عمومی مردم آمریکار در نفی سیاست جنگی بوش داشته‌اند.